

بلغت

**نقد کتاب**  
نشست های

**دانش مع اخلاق کاربرد**  
جلد اول: مباحث فقہی  
احمد حسین شریفی و همکاران

با حضور نویسنده: حجت الاسلام دکتر شریفی

ناقد محترم: دکتر مهدی اخوان

نشانی: قسّم بلوار محمد امین (ص) کوچه ۱۳، پلاک ۲۹

شنبه ۲ دی ماه  
از ساعت ۱۸/۳۰

خانه اخلاق پژوهان جوان

سومین جلسه از سلسله جلسات نقد کتاب

نشست نقد و بررسی «دانشنامه اخلاق کاربردی»

مؤلف: حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد حسین شریفی

ناقد محترم: آقای دکتر مهدی اخوان

۲ دی ماه ۱۳۹۶

به قلم: فاطمه شریفیان

## چکیده

آنچه در ادامه می‌خوانید، متن نشست نقد کتاب «دانشنامه اخلاق اسلامی» است که به همت خانه‌ی اخلاق پژوهان جوان برگزار شده است. در این جلسه دکتر شریفی ابتدا در مورد فرآیند شکل‌گیری کتاب توضیحاتی بیان می‌کنند و سپس به مسئله اخلاق کاربردی می‌پردازند. در ادامه دکتر اخوان برخی از نقدهای وارد بر این اثر را برمی‌شمارند.

## آقای دکتر شریفی:

### فرآیند شکل‌گیری دانشنامه

بنده زمانی که معاون پژوهشی مؤسسه حضرت امام بودم، به دلیل علاقه‌ای که به این بحث داشتم و شاید ده سال قبل از مسئولیت در معاونت پژوهش دغدغه‌های اخلاق کاربردی داشتم و کتابی هم با عنوان «آیین زندگی (اخلاق کاربردی)»<sup>۱</sup> به عنوان کتاب درسی دانشگاه‌ها در دو واحد درس اخلاق اسلامی منتشر شد. در این کتاب اخلاق کاربردی یکی از مفاهیم معرفی شده بود. سال ۸۶ به دلیل این علقه و اهمیت این حوزه، کارگروهی را به نام «اخلاق کاربردی» در مؤسسه حضرت امام پیشنهاد دادیم و تصویب شد و بنده هم مسئول این کارگروه شدم، به دلیل اینکه دوستان در اخلاق کاربردی تخصص نداشتند یک سال آموزش داده شدند و حاصل این یک سال آموزش، و پژوهش همراه با آموزش، نظام‌نامه‌ی اولویت‌های اخلاق کاربردی شد. این نظام‌نامه ۷۵ عنوان موضوع داشت و موضوعات اخلاق کاربردی را فهرست کردند و در ده جلد طراحی شد که در موضوع مستقل بودند که به صورت دانشنامه‌ای تدوین شود. این کارگروه کش و قوس‌های فراوانی داشت و بعد از مدتی بنده در این راه تنها شدم و تصمیم گرفتم از طریق پژوهش‌های کلاسی این موضوع را دنبال کنم، موضوعات اخلاق کاربردی را به عنوان طرح پژوهش کلاسی در کلاس‌های مقاطع ارشد و دکترا معرفی کردم و حدود بیست و شش عنوان حاصل این تحقیقات کلاسی بود که در فرآیند ارزیابی‌ها به عنوان موضوعات و مدخل‌های این دانشنامه معرفی شدند.

مهم‌ترین بخش و دشوارترین بخش این دانشنامه بخش اول بود که به مباحث نظری اخلاق کاربردی می‌پرداخت؛ مباحثی مانند چیستی اخلاق کاربردی، هویت اخلاق کاربردی و این که چه نوع حوزه مطالعاتی است، مبانی آن،

<sup>۱</sup> کتاب آیین زندگی: اخلاق کاربردی؛ احمدحسین شریفی؛ نشر معارف.

رسالتی که بر عهده دارد، روش‌شناسی اخلاق کاربردی. در دنیای غرب هم مقاله‌ی رضایت‌بخشی در مورد این موضوعات ندیدیم. این موضوعات را به صورت پایان‌نامه‌ها یا رساله‌های دکترا و ارشد به دوستان سفارش دادیم و توانستیم برخی مباحث را به این شکل استخراج کنیم.

این توضیح را دادم برای این که متذکر شوم ایده اولیه‌ی دانشنامه در ده جلد، کاملاً هدفمند بود و موضوعات به دقت و کاملاً مرتبط با هم طراحی شدند. ولی بعداً در فرایند کار مشکلات بودجه‌ای، مشکلات اداری و نبودن پژوهشگر ما را به این سمت کشاند و تا این مرحله، حاصل کار پنج جلد شده است و تکمیل این کار در برنامه‌های درازمدت بنده هست.

## ویرایش اثر

به دلیل کمبود بودجه، ویرایش این اثر را هم خود بنده انجام دادم که علاوه بر متخصص نبودنم در حوزه ویراستاری، به دلیل اختی که با کتاب داشتم، یک سری اشکالات از چشمم دور مانده.

## تعریف اخلاق کاربردی

از حوزه اخلاق کاربردی برداشت روشنی در کشور ما وجود ندارد و هر موضوعی را به عنوان اخلاق کاربردی مطرح می‌کنند، کتاب‌هایی هم با این موضوع نگاشته شده است. بعضاً

گفته‌اند اخلاق کاربردی یعنی اخلاقی که کاربرد داشته باشد، این تعریف غلط است و ربطی به applied ethics ندارد. یا بعضی عنوان نوشته‌اند اخلاق کاربردی یعنی اخلاق زندگی، این هم به نظرم تعریف به مفاهیم و تعریف به مؤلفه‌های واقعی نیست. در جستجوهای زیادی هم که در مطالعات غرب داشتم،

---

**اخلاق کاربردی را این گونه تعریف کردیم: «تحقق کاربست مبانی و معیارهای ارزش‌دواری اخلاق در حوزه موضوعات یا مسائل ناظر به صفات یا رفتارهای اختیاری انسان».**

---

یکی دو منبع بیشتر در این مورد ندیدیم که آن‌ها هم رضایت‌بخش نبود. بنابراین بحث جدیدی است.

با تأملاتی که داشتیم به تعریفی رسیدیم و سعی کردیم بر همان اساس هم جلو برویم، اخلاق کاربردی را این گونه تعریف کردیم: «تحقق کاربست مبانی و معیارهای ارزش‌دواری اخلاقی در حوزه موضوعات یا مسائل ناظر به صفات یا رفتارهای اختیاری انسان». این تعریف واقع‌بینانه ما از اخلاق کاربردی است نه تعریف جعلی، منابعی که در حوزه اخلاق کاربردی نوشته شده، چنین تعریفی در ذهنشان است. مبانی ارزش‌دواری یعنی چیزی که در فرااخلاق به نتیجه می‌رسد، و معیارهای ارزش‌دواری چیزی که در اخلاق هنجاری مشخص می‌شود، و کاربست این‌ها در حوزه یا

مسأله‌ای خاص از صفات و رفتارهای اختیاری انسان به اخلاق کاربردی تعبیر می‌شود. البته اخلاق کاربردی بیشتر گرایش به حل تعارض‌ها و تزاخم‌های اخلاقی و مسائل نوپدید دارد؛ مثلاً در مسائلی مانند محیط زیست، شبیه‌سازی، سقط جنین، ارتباطات انسانی. لذا در عین اشتراکاتی که با اخلاق حرفه‌ای دارد با آن متفاوت است، با اخلاق هنجاری، فرااخلاق، علم اخلاق، تربیت اخلاقی و رشد اخلاقی نیز متفاوت است و یک حوزه دانشی جدید است. به زعم بنده به صورت استقرائی ما ده رشته ناظر به مطالعات اخلاقی داریم، یکی از این ده رشته اخلاق کاربردی است که به نظر بنده اهم و دشوارترین موضوعات هم هست و تخصصی مضاعف لازم دارد؛ هم تخصص در اتخاذ موضع در فرااخلاق لازم دارد، هم اتخاذ موضع در اخلاق هنجاری و در مورد موضوع موردنظر هم اطلاعاتی لازم است، و مهم‌تر از این‌ها



شخص باید تخصص ارجاع فروع به اصول داشته باشد. به نظر بنده اخلاق کاربردی حوزه اجتهادی علم اخلاق و دانش‌های اخلاقی است یعنی باید نظریه‌پردازی شود، استخراج حکم شود و استنباط ارزش کند. لذا کار پرزحمتی است و ثمره همه مطالعات اخلاقی است.

### اسلامی‌سازی اخلاق

دغدغه مهم دیگری که وجود دارد و مجاهدت زیادی هم لازم دارد، بحث اسلامی‌سازی علوم است و نیاز است با توجه به مبانی اسلامی، مسائل اخلاقی را حل کنیم. با توجه به حجم عظیم ترجمه‌ی کتاب‌های مربوط به مسائل اخلاق کاربردی دیری نخواهد گذشت که راه‌حل مسائل نوپدیدمان را از مبانی و

معیارهای غربی جستجو کنیم، و دیری نخواهد گذشت که ارزش‌های ما هم جابه‌جا خواهد شد و به تبع آن مبانی‌مان هم ناخودآگاه دگرگون می‌شود. لذا در حوزه‌ی اسلامی‌سازی اخلاق وظیفه‌ای جدی داریم. مبانی اخلاق اسلامی یعنی فرااخلاق ما متفاوت با مبانی فرااخلاقی غربی است، معیارهای ارزش‌داوری‌مان هم متفاوت است. بنابراین راه‌حل را باید از مبانی خودمان بجوئیم. ولذا این دغدغه را داشتیم که بر اساس مبانی و معیارهای اخلاق اسلامی راه‌حلهایی ارائه دهیم و نمونه‌هایی را عرضه کنیم که می‌شود بر اساس فرااخلاق اسلامی و اخلاق هنجاری اسلامی معضلات و تزاخم‌های اخلاقی در حوزه‌های زیستی انسان را هم حل کرد.

## آقای دکتر اخوان:

تشکر می‌کنم از کار شما که با پشتوانه علمی خیلی بالایی همراه بوده و زحمت بسیار گسترده‌ای که این مجموعه داشته. شاید در فضای نشر، این کتاب و این مجموعه هنوز بین اساتید هم ناشناخته است.

## گزارشی از محتوای کتاب

از آنجا که شاید دوستان از محتوای کتاب اطلاع نداشته باشند، ابتدا گزارشی از محتوای کتاب ارائه می‌کنم. این مجموعه شامل ۴۰ مقاله است، در جلد اول هفت مقاله، جلد دوم ده مقاله، جلد سوم هفت مقاله، جلد چهارم نه مقاله و جلد پنجم هفت مقاله دارد. عناوین این چهار مقاله به ترتیب عبارتند از:

مباحث نظری (جلد اول): جایگاه اخلاق کاربردی در هندسه‌ی دانش‌های اخلاقی، نقش فرااخلاق در اخلاق کاربردی، نقش اخلاق کاربردی در توجه به فلسفه اخلاق، راهکارهای حل تراحمات اخلاقی از نگاه اندیشمندان اسلامی، نقش قاعده‌ی زرین در تصمیم‌گیری اخلاقی، نقش جنسیت در داوری‌های اخلاقی بر اساس اندیشه‌ی اسلامی، بررسی نقش عرف در تشخیص وظائف اخلاقی

اخلاق زیستی (جلد دوم): چیستی اخلاق زیستی، معیار انسانیت و نقش آن در اخلاق زیستی، اخلاق ژنتیک و مهندسی ژنتیک انسانی، بررسی پیامدهای اخلاقی مهندسی ژنتیک از منظر اخلاق اسلامی، شبیه‌سازی انسانی و اخلاق، سقط جنین از منظر اخلاق اسلامی، بررسی قتل ترحمی ارادی از منظر اخلاق اسلامی، برخورد کالاکونه با اعضای بدن؛ اخلاقی یا غیراخلاقی، بررسی اخلاقی برداشت عضو پیوندی از بیمار مرگ مغزی، بررسی اخلاقی حکم اعدام با توجه به حق حیات

اخلاق فراغت و گردشگری (جلد سوم): اخلاق عبادت، اخلاق فراغت، اوقات فراغت از نگاه اخلاق اسلامی، اخلاق شادی و نشاط، اخلاق گردشگری با تکیه بر آموزه‌های اسلام، مقایسه تطبیقی زیارت و گردشگری، نظریه اخلاق زیست‌محیطی اسلام

اخلاق حاکمیت و سیاست (جلد چهارم): رابطه اخلاق و سیاست، اخلاق در سازمان، اخلاق در مدیریت و سازمان، نقد مبانی انسان‌شناختی اخلاق لیبرال، تراحم آزادی و عدالت در لیبرالیسم و اسلام، اخلاق و اقتصاد، اخلاق جنگ و صلح، اصول اخلاق حاکم بر رابطه فرمانده و سرباز، اخلاق انتخابات

اخلاق علم و فرهنگ (جلد پنجم): اخلاق پژوهش، اخلاق نقد، اخلاق مناظره، اخلاق رسانه، اخلاق روزنامه‌نگاری، قواعد اخلاقی حاکم بر روابط خانوادگی از نگاه اسلام، اخلاق همسایگی.

اگر اواخر دهه شصت و دهه هفتاد موج فلسفه دین در ایران ایجاد شد، در دهه هشتاد و نود این موج به سمت فلسفه اخلاق سرایت کرد، بیشتر هم به جهت وجود مطالعات اجتماعی بود. حتی به گونه‌ای که سینمای ما هم موضوعات اخلاقی را به جهان معرفی می‌کند. حال یا به جهت خلئی است که در جامعه وجود دارد یا نیازی وجود دارد هم در حوزه نظری و هم در بخش عملی. خصوصاً عنوان اخلاق کاربردی با وجود ابهاماتی که دارد، شاید خط مقدم آن مباحث اجتماعی است که ما نیاز داریم. هرچقدر شما بحث‌های تئوریک در دانشگاه‌ها بکنید، در نهایت در جامعه از شما یک نسخه کوچک و کپسولی درعین حال مدلل و مستدل می‌خواهد. این مجموعه ظاهراً با همین دغدغه نوشته شده است و شاید تیمی که این مجموعه را هدایت کرده از تورم بحث‌های فلسفه اخلاق و ترجمه اخلاق نظری ناراحت بوده و به نظرم دغدغه درستی نیز هست.

متأسفانه هیچ توازنی در ورود و گستردگی هم اصل رشته فلسفه و هم شاخه‌های مختلفش در ایران وجود ندارد. این توازن اولین نیازی است که ما باید در حوزه‌های نشر و تدریس و دانشگاه برقرار کنیم. این دانشنامه نسبت به موارد مشابه به خاطر گستردگی پنج جلدش، تا حدودی این توازن را رعایت کرده است.

---

**اگر اواخر دهه شصت و دهه هفتاد موج فلسفه دین در ایران ایجاد شد، در دهه هشتاد و نود این موج به سمت فلسفه اخلاق سرایت کرد، بیشتر هم به جهت وجود مطالعات اجتماعی بود. حتی به گونه‌ای که سینمای ما هم موضوعات اخلاقی را به جهان معرفی می‌کند**

---

ولی موضوع اخلاق کاربردی هر مسأله‌ای می‌تواند باشد و فقط لازم است یک کلمه اخلاق به آن اضافه شود و به دلیل وسعت زیاد موضوعات اخلاق کاربردی از هیچ مجموعه‌ای نمی‌توان انتظار داشت بتواند همه مباحث را در مجموعه‌ای تحویل دهد. ولی مشکل اصلی ما در فارسی، هم در نوشتن کتاب و هم در نوشتن مقالات، تکرار کاری، دوباره کاری و انبوه کاری است.

### **نکات و ملاحظات راجع به کتاب**

نحوه ارجاع دادن و استفاده از منابع مختلف به نظرم از استانداردهای حداقلی برخوردار است. ولی چهل مقاله این مجموعه به شدت در معرض فراز و فرود است یعنی مقالاتی هست که به نظرم خیلی مقالات خوبی است و اگر به انگلیسی ترجمه شوند می‌تواند با مقالات خارجی رقابت کند و مقالاتی هم هست که رضایت‌بخش نیست.

اولین چیزی که در کتاب توجه را جلب می‌کند ظواهر است، که شامل طرح جلد، عنوان، تیتراها و سبک نوشتاری کتاب است. در فارسی و انگلیسی کارهای مشابهی هم با عنوان دانشنامه و هم با عنوان اخلاق کاربردی وجود دارد. در مورد عنوان اخلاق کاربردی در فارسی ابهام وجود دارد، هم در کتاب‌ها و هم در زبان اساتید و دوستانی که در حوزه فلسفه اخلاق کار می‌کنند، هنوز تکلیف فارسی‌زبانان با واژه applied ethics یا practical ethics مشخص نشده است. و متأسفانه یکی از ضعیف‌ترین مقالات این مجموعه اولین مقاله است که در مورد جایگاه اخلاق کاربردی در هندسه دانش‌های اخلاقی است، این مقاله بیشتر از این که حوزه اخلاق کاربردی را روشن کند، به نظرم پریشان و تاریک کرد.



یکی از کارهایی که شاید می‌شد کرد، مقایسه عنوان دانشنامه بود با دانشنامه‌های مشابه و هم عنوان اخلاق کاربردی با عناوین مشابه از جهات مختلف.

نکته دیگر در مورد عنوان دانشنامه، بهتر بود در مورد Encyclopedia (در عربی به دائرة المعارف، و در فارسی به دانشنامه ترجمه شده است) توضیحی داده می‌شد که تعریف دوستان از این عنوان چیست و مجموعه مقالات دائرة المعارفی را چه می‌دانند.

شاید بهتر بود اسم آقای شریفی تنها در قسمت مؤلفان

نمی‌آمد و نام ایشان تحت عناوینی مانند «ویراسته»، «تحت نظر» یا «دبیر مجموعه» نیز قرار می‌گرفت. و نکته بعد این که مؤلف‌ها در صفحه عنوان هر فصل به صورت عمودی معرفی شدند ولی شاید بهتر بود این معرفی در فهرست کتاب اتفاق می‌افتاد. کار دیگری که خوب بود انجام می‌شد این است که بهتر بود فهرست اجمالی کتاب جدا می‌شد.

در مورد ساختار این مجموعه؛ همان طور که از عنوان هم روشن است، یک جلد مقالات تئوریک در مورد اخلاق کاربردی است و چهار جلد مقالات انضمامی خود اخلاق کاربردی است که هر دو هم نیاز بوده. در مقایسه با مجموعه‌های دیگر به نظرم بد نبود اگر مقالاتی در این مجلدها گنجانده می‌شد و مقالاتی نمی‌آمد، مثلاً جای یک مقاله مفصل راجع به ماهیت و تاریخ اخلاق کاربردی در جلد اول خالی بود و مفصلاً توضیح داده می‌شد که رابطه اخلاق کاربردی با سایر حوزه‌های اخلاق پژوهی چیست. به علاوه برای مخاطبی که احتمالاً علوم اسلامی خوانده است

و می‌خواند، توضیح خوبی داده می‌شد درباره رابطه اخلاق کاربردی با دو حوزه فقه و حقوق که جای این بحث به شدت در نوشته‌های فارسی خالی است. یکی از مسائلی که ما در آن مذبذب هستیم و هنوز تکلیفمان را با آن روشن نکردیم، و خصوصاً در حوزه‌های علمیه جای خودش را باز نکرده، رابطه اخلاق کاربردی با فقه و حقوق است.

بد نبود آقای دکتر یا تیم‌شان در جلد اول توضیح می‌دادند که ملاکشان برای انتخاب این موضوعات چه بوده.

یک کاستی دیگر که به نظرم ساختار کتاب دارد، و می‌شود در ویرایش بعد آن را رعایت کرد، این است که یک سری مقالات جایشان اینجا نیست و به نظرم خود مؤلف هم آگاه بودند به این نکته و اشاره‌ای کردند ولی این اشاره مخاطب را قانع نمی‌کند، مثلاً اولین عنوان جلد اخلاق گردشگری، اخلاق عبادت است، ربط این موضوع به اخلاق گردشگری چیست؟!

در مقاله اعدام یک اشکال صوری وجود دارد و آن اینکه یک ارجاع انگلیسی ندارد با توجه به این که یکی از جنجالی‌ترین بحث‌های اخلاق کاربردی اخلاق ناظر به اعدام است.

---

**به نظرم توصیف‌هایی که در مقاله اول راجع به اخلاق و اخلاق کاربردی داده شده، توصیف‌های دقیقی نیست، هرچند ممکن است عنوان جالبی داشته باشد.**

---

به نظرم توصیف‌هایی که در مقاله اول راجع به اخلاق و اخلاق کاربردی داده شده، توصیف‌های دقیقی نیست، هرچند ممکن است عنوان جالبی داشته باشد. مقاله اول

همه دانش‌های اخلاقی را به ده شاخه تقسیم کرده است و در عرض هم اخلاق کاربردی و اخلاق حرفه‌ای و فلسفه اخلاق را از هم جدا کرده است. دسته‌بندی دانش‌های اخلاقی به این شکل است: اخلاق توصیفی، علم اخلاق، تربیت اخلاقی، رشد اخلاقی، اخلاق موضوعی (در بخشی از مقاله گفته شده اخلاق موضوعی همان علم اخلاق است)، اخلاق حرفه‌ای، فرااخلاق، اخلاق هنجاری، فلسفه اخلاق و اخلاق کاربردی. در این تقسیم‌بندی من توضیح قانع‌کننده‌ای در مورد تفکیک تربیت اخلاقی و رشد اخلاقی ندیدم.

سال‌هاست فکر می‌کنم که همه دانش‌های اخلاقی را تحت چه تقسیم‌بندی قانع‌کننده‌ای می‌توان قرار داد، به این نتیجه رسیدم که دانش‌های اخلاقی و اخلاق‌پژوهی را بر حسب روش به سه حوزه تقسیم‌بندی کنیم؛ حوزه تاریخی، حوزه تجربی یا حوزه تجربی ناظر به اخلاق، و حوزه عقلی-فلسفی-تحلیلی. حوزه اول شامل موضوعاتی مانند ادبیات ناظر به اخلاق و اخلاق توصیفی باشد. مباحثی مانند روان‌شناسی اخلاق، جامعه‌شناسی اخلاق، زیست‌شناسی اخلاق که تأثیر فیزیولوژی بدن، ژنتیک و حتی هورمون‌ها در امور اخلاقی است و جغرافیای اخلاق در حوزه تجربی قرار بگیرند.



در مورد یک سری شاخه‌های این حوزه کتاب نوشته شده و یک سری شاخه‌ها هم در حد نطفه و جنین هستند و هنوز در موردش مطلب منضبطی ارائه نشده است. در شاخه تحلیلی-فلسفی-عقلی، همه شاخه‌های فلسفه اخلاق را قرار بدهیم. بعد بگوییم ما چیزی داریم به نام اخلاق‌شناسی فلسفی که در انگلیسی به آن ethics می‌گویند. ethics هم در فارسی و هم در انگلیسی معانی متفاوتی دارد، گاهی به معنای فلسفه اخلاق است، گاهی به نام علم اخلاق، گاهی به معنای نهاد اخلاق، و همین اتفاق در مورد morality هم وجود دارد. اینجا ethics را به معنای اخلاق‌شناسی فلسفی به کار می‌بریم و شامل دو بخش کلی می‌شود؛ یکی آنچه که از مبانی اخلاق بحث می‌کند و تحلیل می‌کند، هم ناظر به مفاهیم اخلاقی و هم ناظر به گزاره‌های اخلاقی است. این می‌شود بحث فرااخلاق و یکی از مهم‌ترین سؤالاتی هم که متأسفانه در فرااخلاق گفته نمی‌شود، سؤال why be moral? است، قبل از این که وارد همه بحث‌های اخلاقی شویم، سؤال از چرا باید اخلاقی باشیم، به نظرم مهم‌ترین سؤال فرااخلاق است. و بعد وارد چیزی بشویم که اصطلاحاً به آن اخلاق هنجاری یا normative ethics گفته می‌شود که اخلاق هنجاری به نظرم مهم‌ترین سؤال این است که انسان اخلاقی کیست؟ عمل اخلاقی چیست؟ یا زندگی اخلاقی کدام است؟ ظاهراً تمام نظریات فلسفه اخلاق در حوزه اخلاق هنجاری می‌خواهند جواب این پرسش را بدهند. بعد کاربرد فرااخلاق و اخلاق هنجاری در دسته‌ای به نام اخلاق کاربردی قرار می‌گیرد. منتها همین جا می‌خواهم متوقف شوم و بگویم کاش مترجمین ما به جای اخلاق هنجاری می‌گفتند فلسفه اخلاق هنجاری، و کاش به جای اخلاق کاربردی می‌گفتند فلسفه اخلاق کاربردی، و تفاوت می‌گذاشتند میان اخلاق کاربردی و فلسفه اخلاق کاربردی. و این سؤال هم پاسخ داده می‌شد که آیا عبارت اخلاق کاربردی مانند برف سفید نیست که توضیح واضح است؟ یعنی اخلاق اساساً کاربردی است، حال اگر بخواهیم آن بخش نظری را بیان کنیم، یک قید توضیحی می‌آوریم، اولاً و بالذات اخلاق، کاربردی است. اگر هم کسی اخلاق را زیر تیغ نظریات و تحلیل‌ها برده، کار خوبی کرده ولی این توضیح به ما کمک می‌کند بین فلسفه اخلاق کاربردی و اخلاق کاربردی از این جهت به مخاطبان حرفی بزنیم که برخی در جامعه ما فکر می‌کنند وقتی می‌گوییم اخلاق کاربردی، یعنی نسخه‌هایی در حوزه‌های مختلف فعالیت‌مان بدهد، در صورتی که فلسفه اخلاق کاربردی لزوماً نسخه نمی‌دهد، همان کارهای فلسفی را منتقل می‌کند روی موضوعات جزئی، از پژوهش و ازدواج کردن و بچه‌دار شدن و شبیه‌سازی و خیلی از مسائل دیگر. همه این‌ها وقتی زیر تیغ تحلیل‌های فلسفی بروند، عنوان applied ethics یا اخلاق کاربردی می‌گیرد.

چیزی که در این مجموعه جایش خیلی خالی هست، روشن کردن این داستان است. در جلد اول که بحث‌های نظری هست، یکی از مقالات با عنوان «نقش فرااخلاق در اخلاق کاربردی» و مقاله بعدی «اخلاق کاربردی در توجه به فلسفه

اخلاق» بیشتر تمرکز کرده روی مناقشه واقع‌گرایی و ناواقع‌گرایی در مقابل مناقشه مطلق‌گرایی و نسبی‌گرایی. این مقاله مقاله خوبی است ولی کاش نویسنده با وسعت نظر به این توجه می‌کرد که ما خیلی موضوعات فرااخلاقی داریم که در اخلاق کاربردی تأثیر به شدت زیادی دارند. یکی از آن‌ها واقع‌گرایی و ناواقع‌گرایی است، دیگری مطلق‌گرایی و نسبی‌گرایی است، ولی عام‌گرایی و خاص‌گرایی، عاطفه‌گرایی و ناعاطفه‌گرایی، و یکی از مباحثی که به نظر من جای آن به شدت خالی بود نظریه امرالهی است که مخاطب را از این جهت قانع کنید که نظریه‌ای قابل دفاع است که من بعداً می‌خواهم به اخلاق اسلامی ارجاع دهم و یکی از استدلال‌هایم این است که اسلام درست گفته که این حکم را داده.

یا نظریه‌های اخلاق هنجاری؛ پیامد‌گرایی، ناپیامد‌گرایی و فضیلت‌گرایی هم جایشان در جلد اول خالی است، کاش مخاطب را آشنا می‌کردید با اینکه چقدر از نزاع‌های اخلاق کاربردی ما وابسته است به نظریات هنجاری. من و شما به این نتیجه رسیده‌ایم که اخلاق کاربردی یعنی

---

**من و شما به این نتیجه رسیدیم که اخلاق کاربردی یعنی کاربردیست  
فرااخلاق و اخلاق هنجاری در عمل، ولی خیلی از کتاب‌ها  
می‌گویند اخلاق کاربردی یعنی کاربردیست نظریه‌های هنجاری در  
عمل، یعنی در اخلاق کاربردی اصلاً به فرااخلاق کاری ندارند.**

---

کاربست فرااخلاق و اخلاق هنجاری در عمل،  
ولی خیلی از کتاب‌ها می‌گویند اخلاق کاربردی  
یعنی کاربردیست نظریه‌های هنجاری در عمل،  
یعنی در اخلاق کاربردی اصلاً به فرااخلاق  
کاری ندارند. جالب است که خیلی‌ها می‌گویند  
اخلاق هنجاری اصول است و اخلاق کاربردی

فقه است یعنی شما در اصول تکلیف را روشن می‌کنی که کدام نظریه هنجاری درست است، بعد در مسائل اخلاق کاربردی آن نظریه را به کار می‌گیرید. در اخلاق کاربردی ساختار استدلال این چنین است که عمل الف وصف ب را دارد، و هر عملی که وصف ب را دارد، فلان حکم را دارد، پس عمل الف حکم فلان را دارد. بنابراین یکی از مهم‌ترین مقدمه‌های ما این است که آیا از اخلاق هنجاری و نظریه‌های اخلاق هنجاری استفاده کنیم یا نه. شما لطف کردید یک بخش مفعول در فارسی که کاربرد فرااخلاق در اخلاق کاربردی است را نشان دادید، کاش این کار را هم تکمیل می‌کردید.

به نظر من بد نبود در مقدمه کتاب در مورد جغرافیای اخلاق کاربردی، در یک تقسیم‌بندی صناعی یا استقرائی بگوییم حوزه‌های اخلاق کاربردی این لیست است؛ مثلاً اخلاق کاربردی یا ناظر است به امور موجودات زنده که می‌شود bioethics، بعد بگوییم bioethics یا شامل انسان‌ها می‌شود یا غیرانسان‌ها و این تقسیم‌بندی را ادامه دهیم، با چنین

تقسیم‌بندی‌هایی شاید خیلی از اختلافات هم حل شود، مثلاً رابطه اخلاق پزشکی با اخلاق زیستی چیست، جای اخلاق مهندسی ژنتیک در اخلاق حرفه‌ای است یا در اخلاق زیستی است و الی آخر. یا بگوییم اخلاق کاربردی ناظر است به امور علمی بعد این را تقسیم کنیم که این بحث مفصلی است که *academic ethics* یکی از شاخه‌های اخلاق علمی بشود؛ اخلاق آکادمیک، اخلاق پژوهش، اخلاق کتابخوانی. یکی دیگر از دسته‌های اخلاق کاربردی بشود اخلاق ورزشی در باب امور حرفه‌ای و مشاغل، که اخلاق تجارت، اخلاق پزشکی، اخلاق هنر و ... در این دسته جای بگیرند. یک حوزه دیگر بشود اخلاق در روابط انسانی که جنگ و صلح، دشمنی، رازداری، اخلاق خانواده، عشق و دوستی، اخلاق مراقبت و الی آخر.

یک سری مفاهیم به شدت مورد استفاده در اخلاق کاربردی بد نیست جایی توضیح داده می‌شد، مثلاً اگر صد تا مفهوم خیلی مهم در اخلاق‌شناسی‌ها و فلسفه اخلاق‌ها داریم، یک نفر بررسی کند که پرکاربردترین و پر استفاده‌ترین‌شان کدام است و این‌ها را بیشتر مورد تدقیق قرار دهد مثل *autonomy* (خودآیینی یا استقلال)، حق حیات، حریم خصوصی، عدالت، مفاهیم فلسفی به شدت مبهم مثل امید، مثلاً در اخلاق پزشکی می‌گویید وقتی می‌خواهی اتانازی انجام بدهی یا نه، یکی از مفاهیم خیلی مهم این است که آیا پزشک امید به بهبودی دارد یا نه، بعد تازه متوجه می‌شوید چیزی که خیلی به آن فکر نمی‌کردید چقدر مهم بوده و تازه باید بروید سراغ فلسفه در مورد این که امید چیست و تفاوتش با آرزو چیست. یا بیهودگی، این که درمانی بیهوده است یا بیهوده نیست، ملاکش چیست؟ مفاهیمی مبهم در فلسفه وجود دارد و تا چنین جاهایی در آن‌ها گیر نکنیم، سراغشان نمی‌رویم، مفاهیمی مثل سود، حق، تراحم.

یکی از اشکالات دیگر این که مؤلفین احساس استغنا یا بی‌نیازی می‌کردند، خبری از معادل‌گذاری یا واژه‌نامه در پایان کتاب نیست، بعد خیلی از واژه‌ها استفاده شده بدون آنکه مخاطف بدانند معادل چه کلمه‌ای است، مثلاً مشخص نیست تراحم برای *dilemma* به کار رفته یا *conflict*.

به هر حال این مجموعه تمام زحمتی که دوستان کشیدند طی ۹ سال، انتقاد کردن خیلی راحت است، همه این نکاتی را هم که گفتم در راستای این گفتم که کتاب بهتر معرفی شود، و برای این کتاب احترام زیادی قائلم.

## آقای شریفی:

خیلی تشکر می‌کنم از دوستان عزیز، حضار محترم، و مخصوصاً آقای دکتر اخوان که آشنایی با ایشان توفیقی بود، از دقت نظر و جامعیت نگاهشان بهره بردم. از بعضی نکات خیلی استفاده کردم و بنای بر جواب هم ندارم چون جوابی ندارند و نکات کاملاً درستی هستند. چند نکته را عرض کنم.

در مورد عنوان مؤلفین که فرمودند، مسئولیت علمی این مجموعه بر عهده بنده است، ویرایش، مسائل، موضوع از بنده بوده، مسئولیت محتوا با بنده بوده اما نمی خواستم اسم بنده پررنگ بشود و حق بقیه دوستان نادیده گرفته شود.

نکته ای که آقای دکتر فرمودند در مورد اینکه تکلیف کل مجموعه در مورد اسلام روشن نیست و اسلامی سازی در این مجموعه مشخص نیست. پاسخ روشن است، در دستورالعمل تدوینمان بوده و در کل مقالات هم سعی کردیم مراعات شود. برداشت بنده در حوزه اخلاق کاربردی که در مقاله اول آمده و آقای دکتر هم به آن نقد داشتند، این است که اینجا تکلیف اسلامی سازی مشخص است، دیدگاهها در مورد اسلامی سازی مختلف است، بنده در کتاب «مبانی علوم انسانی اسلامی»، دوازده دیدگاه موجود برای تعریف و تفسیر از اسلامی سازی معرفی کردم (۱۱ دیدگاه موجود و یک دیدگاه هم خودم اضافه کردم). آن چه در این مجموعه عمل کردیم این است که هر برداشت، حکم، ارزش و آموزه ای که به آن می رسیم، اگر بر اساس مبانی و معیارهای اسلامی باشد، آن را اسلامی می دانیم، می تواند بر اساس روش هم اسلامی باشد، البته ما روش را در

قسمت مبانی (مبانی پنج گانه؛ هستی شناسی، معرفت شناسی، انسان شناسی، ارزش شناسی و روش شناسی) قرار دادیم، معیار هم همان است که در اخلاق هنجاری اسلامی به آن می رسیم. یعنی معیار قرب الهی را اصل قرار دادیم در این مجموعه. در این مجموعه هیچ مقاله ای نیست که خلاف این معیار

---

**ولی معیار ما در اخلاق هنجاری بر اساس نظریه قرب بوده، هیچ کدام از نظریه های لذت گرایی، سودگرایی، و نظریه های دیگر معیار نبوده و نظریه قرب را درست می دانیم و معیار قرار دادیم و در جای خودش هم بحث می کنیم.**

---

باشد، ممکن است برخی این معیار را نپذیرند، ولی معیار ما در اخلاق هنجاری بر اساس نظریه قرب بوده، هیچ کدام از نظریه های لذت گرایی، سودگرایی، و نظریه های دیگر معیار نبوده و نظریه قرب را درست می دانیم و معیار قرار دادیم و در جای خودش هم بحث می کنیم. لذا تکلیف روشن است.

در مورد اخلاق عبادت که در اولین مقاله جلد اخلاق گردشگری آمده، اسم کامل آن جلد «اخلاق فراغت و گردشگری» است. ما یک سال کار کردیم تا به هندسه ای رسیدیم و ده موضوع قرار دادیم که هندسه ای نباشد که ترجمه ای باشد و جامع باشد، البته آقای اخوان در هندسه ای که ارائه کردند سعی کردند نظام نامه جامع اخلاق کاربردی را ارائه دادند اما ما چون این را از نظر علمی ناممکن می دانستیم، نظام نامه اولویت های پژوهشی اخلاق کاربردی را تدوین کنیم، لذا اگر می خواستیم نظام نامه جامعی قرار دهیم باید هندسه مشخصی برای آن درست می کردیم. بیشتر از ۲۰۰ عنوان استخراج کردیم، از این ۲۰۰ موضوع به ۷۶ عنوان رسیدیم که می شد در ده جلد هدفمند آنها را سامان

داد، یکی از آن حوزه‌ها، حوزه‌های دینی و عبادی بود که در آنجا یک مقاله علمی بیشتر نتوانستیم پیدا کنیم و خیلی از مقالات در این پروسه رد شد و نپذیرفتیم، لذا مجبور شدیم بهترین عنوانی که سازگار بود را قبول کنیم و در این فصل آن را جای دادیم.

اما در مورد هندسه و تقسیمی که آقای دکتر فرمودند. به طور کلی تمایز علوم و تمایز شاخه‌های یک علم، مسأله‌ای مهم در فلسفه علم است، معیار تمایز علوم به چیست؟ در تاریخ تفکر اسلامی هم مطرح بوده، اخیراً معیار تمایز روشی را مطرح کرده‌اند، در سنت اسلامی ما معیار تمایز روشی ذکر نمی‌شد، موضوع، مسائل و غایات را می‌گفتند و جدیداً روش را هم می‌گویند. بنده در کتاب «مبانی علوم انسانی اسلامی» آوردم که تمایز ترکیبی معقول و واقع‌بینانه است. ما از قبل قالبی درست می‌کنیم، علوم موجود را در این قالب می‌گنجانیم و علوم ناموجود و علمی که هنوز مشخص نشده‌اند را جایشان را مشخص می‌کنیم، به نظر بنده در علم‌شناسی واقع‌بینانه نیست، نگاه از بالا به پایین در تقسیم‌بندی علوم، ما واقعیت صحنه علم را ببینیم، روان‌شناسی داریم، جامعه‌شناسی داریم و اقتصاد داریم، و زیرمجموعه روان‌شناسی حدود ۵۳ رشته و زیرشاخه داریم، تمایز این‌ها به چه بوده و چگونه این تقسیم‌بندی‌ها شکل گرفته؟ بنده می‌دانم هم تمایز موضوعی بوده و هم تمایز روشی، مثلاً موضوع اخلاق با موضوع فقه جز در موارد خیلی جزئی فرق نمی‌کند و هر دو افعال مکلفینند و هر دو افعال اختیاری‌اند، اخلاق مقداری گسترده می‌کند و صفات را هم اضافه می‌کند و فقه رفتارهای غیراختیاری را هم اضافه می‌کند. ولی تمایز این‌ها در غایت و روش‌ها است، در روش اخلاق در یک موضوع نمانده و روش عقلی (اخلاق عقلی، نقلی (اخلاق نقلی) و شهودی (اخلاق عرفانی) استفاده می‌کند.

در فصل اول که من ده مورد از دانش‌های ناظر به اخلاق را تفکیک کردم و اصلاً هدف این مقاله رسیدن به جایگاه اخلاق کاربردی بوده، این ده شاخه، شاخه‌هایی است که الان وجود دارند یعنی نگاه استقرائی دارم و نخواستم بگویم چه رشته‌های دیگری هم می‌تواند موجود باشد و این تمایز روشی که آقای دکتر عنوان کردند را ناقص می‌دانم و کامل نیست. با تمایز روشی علم اخلاق را باید به سه علم تبدیل کنیم، فقط سه علم اخلاق عقلی و نقلی و عرفانی خواهیم داشت، اما علم‌های اخلاق ترکیبی را در کدام دسته جای بدهیم؟ مگر اینکه بگوییم این علم غلط است مثلاً اخلاق خواجه نصیر و اخلاق نراقی اصلاً علم اخلاق نیست، این غیرواقع‌بینانه است چون در عرف علمی هم این‌ها اخلاق محسوب می‌شود. این واقع‌بینانه و غیرواقع‌بینانه که عرض می‌کنم اینجا واقعاً بحث عقلی نیست، ما راجع به واقع و کارآمدی صحبت می‌کنیم، مثلاً در علم دینی می‌توانیم تعریفی از علم اسلامی ارائه دهیم، کاری که آیت الله جوادی آملی انجام دادند و می‌فرمایند علم اگر علم صائب باشد حتماً دینی است. اندیشمندان موجود می‌گویند علم بی‌معنا است و ما اصلاً قبول نداریم و همه تئوری و فرضیه و نظریه است، این چه طور اسلامی می‌شود؟ اسلامی شدن یک

نظریه، یک تئوری، یک فرضیه به چه است؟ یا کاری که فرهنگستان انجام می‌دهد و می‌گوید تمام این علوم موجود در طبقه و سلسله شیاطین و ابلیس است، ما بر اساس سلسله توحید باید علم تولید کنیم، اشکالی ندارد ولی یک قرارداد غیر واقع‌بینانه می‌شود. اسلامی‌سازی همین علوم موجود به چیست؟ اخلاق کاربردی داریم، این بخواهد اسلامی شود، چه طور اسلامی می‌شود؟ گفتیم مبانی‌اش یعنی فرااخلاق و اخلاق هنجاری ما، اسلامی باشد. این ده حوزه‌ای که بنده ذکر کردم، ده حوزه موجود دانش‌های اخلاق است، در استقراء بنده دانشی خارج از این ده حوزه پیدا نشده. در این بخش کاملاً مشخص کردیم اخلاق کاربردی غیر از اخلاق حرفه‌ای است، خلط بزرگی که در کشور ما صورت گرفت، یکی دانستن اخلاق کاربردی و اخلاق حرفه‌ای است، اخلاق حرفه‌ای مانند اخلاق موضوعی می‌ماند با این تفاوت که موضوعش مشاغل است. ولی کار اخلاق کاربردی کاربست و تحقق مبانی و معیارها است در مسائل خاصی که آن مسائل معمولاً دو ویژگی دارند؛ از تراحماتند و نوپدید هستند. تفکیک این‌ها را من کاملاً مشخص کردم. و درست است این جمله را آوردیم که اخلاق موضوعی همان دانش اخلاق است، ولی خواستم بگویم مانند اینکه تفسیر موضوعی و تفسیر ترتیبی داریم، بابتی هم باز شده به نام اخلاق موضوعی حال آنکه چیز جدایی نیست، همان علم اخلاق است که با موضوع خاصی جلو می‌رود. کاری که آیت الله مجتهدی انجام می‌دادند اخلاق موضوعی است. اخلاق موضوعی همان علم اخلاق است و آنجا باید مشخص شود روش عقلی، نقلی یا شهودی است، ولی با اخلاق کاربردی متفاوت است. همه این‌ها را گفتم که بگویم اخلاق کاربردی همان تربیت اخلاقی نیست، و به نظرم تفاوتشان روشن بوده، شاید عبارات ناگویا است. تربیت اخلاقی یعنی ذیل تعریف اخلاق در سنت اسلامی که می‌گفتند شناخت فضائل و ردائل به منظور چگونگی تخلق به خوبی‌ها و زدودن بدی‌ها. این «به منظور» در سنت اخلاقی ما خیلی لاغر و ضعیف مطرح شده لذا بنده معتقدم در بعد تربیت اخلاق موجود و تراش ما ناکارآمد است. عموم راهکارهای تربیتی که بزرگان ما (حتی تا آخرین آثار مانند چهل حدیث امام) بیان می‌کردند این دو تا بود؛ یک علاج علمی دارد که بشناسید مثلاً غیبت بد است و یک علاج عملی دارد. این راهکارهای تربیت است، ما می‌گوییم این خیلی ناکافی است، همه می‌دانند غیبت بد است ولی مرتکب می‌شود، چه کار کنیم که واقعاً رذایل اخلاقی را از جامعه بزداییم؟ و این را در علوم تربیتی خوب بیان کردند، ما از شاخه علوم تربیتی یک رشته میان‌رشته‌ای به نام تربیت اخلاقی شکل می‌دهیم و راهکارهایی هم ارائه دادیم (بنده حداقل ۱۲ راهکار کلان فکر می‌کنم برای اصلاح اخلاق قابل عرضه است که در فصل آخر سبک زندگی اسلامی ایرانی این را آوردم).

نظریه رشد، نه بحث تربیت، یعنی همان کاری که پیازه در روانشناسی می‌کرد، پیازه می‌گفت کودک مثلاً اخلاص را تا سن ۱۵، ۱۶ سالگی درک نمی‌کند، شما اگر می‌خواهی فرزندت کاری اخلاقی انجام بدهد نگو مخلص باش و فقط

برای وظیفه اخلاقی عمل کن (مانند کانت) بلکه فرزندت را با ریاکاری به کار اخلاقی تشویق کن، یعنی با تطمیع و تهدید باید وادارش کنی. در بحث رشد نظریات مختلفی وجود دارد و کارش این حوزه است. آقای عزیزاده و دوستانشان یک کتاب مفصلی در مورد بحث رشد اخلاق چاپ کردند.

**کلیدواژگان: اخلاق کاربردی، دانش‌های اخلاقی، تربیت اخلاقی، رشد اخلاقی، نظریه امر الهی، اخلاق کاربردی، اخلاق حرفه‌ای**

